



امتحانات متمرکز تکمیلی (سطح ۳)

زمان: ۱۰ صبح ۱۴ دقیقه: ۹۰

شماره نام خانوادگی	نوع مدرسه	نوع مدرسه
شماره نام خانوادگی	نوع مدرسه	نوع مدرسه

نیم سال اول ۹۸-۹۷

رشته فلسفه ورودی مهر ۹۶

مهر مدرسه

کد استان:	۳۹۷۱/۱۷
شماره:	۱۳۹۷/۱۱/۰۲
موضوع:	فلسفه اسلامی ۳
کتاب:	نهایة الحکمة
مجموعه:	جلد سوم: مرحله هشتم (ص ۷۵۱-۶۰۰) و مرحله نهم (ص ۸۶۵-۷۵۵)

نام و نام خانوادگی: نام پدر: نام مدرسه: شهرستان: استان:

۰/۵

۱- کدام یک از شروط تسلسل محال نیست؟ ص ۶۴۸

- الف. همزمانی سلسله
- ب. ترتب میان اجزاء
- ج. بالفعل بودن سلسله
- د. عدم نهایت از دو طرف

۰/۵

۲- کدام ویژگی بر «فاعل بالرضا» صادق است؟ ص ۶۶۴ س ۱

- الف. علم او به فعل در مرتبه فعل و بلکه عین فعل است.
- ب. علم او مقدم بر فعلش است و داعی زائد بر ذات هم دارد.
- ج. علم او مقدم بر فعل و زائد بر ذات است ولی داعی زائد بر ذات ندارد.
- د. علم قبلی به فعل دارد، داعی زائد بر ذات ندارد و علم او عین ذاتش است.

۰/۵

۳- منظور از کمال اول و ثانی با توجه به عبارت «انها کمال اول لما بالقوة من حیث انه بالقوه» چیست؟ ص ۷۷۴

- الف. متحرک- زمان دار شدن
- ب. حرکت- رسیدن به غایت
- ج. حرکت - عرض
- د. متحرک - جوهر

۰/۵

۴- علامه^(ه) نسبت بین «سرعت» و «بطء» را چه می داند؟ ص ۸۵۰

- الف. تضاد
- ب. تضایف
- ج. تشکیک
- د. ملکه و عدم

۱/۵

۵- توضیح دهید که چرا «ماهیت» مجعول علت نیست؟ و قول حق در مجعول علت کدام است؟ ص ۶۰۴ - ۱/۵ نمره

جواب: ماهیت مجعول نیست زیرا اولاً ماهیت امری اعتباری است در حالی که آنچه معلول از علت خویش دریافت می کند امری اصیل است [افزون بر این که علت یک رابطه عینی خاص میان علت و معلول است و ماهیت از آن جهت که در مرتبه ذات لیست الا هی (هیچگونه تحقیقی ندارد)، نمی تواند با علت رابطه برقرار کند] (۱ نمره) قول حق: از آنجا که محال است ماهیت یا انصاف ماهیت به وجود، مجعول علت باشد، معلوم می شود که مجعول علت، وجود است و حق هم همین قول است. (۰/۵ نمره)

۶- گروهی به قاعده «وجوب وجود المعلول عند وجود علته التامه» اشکال کرده اند، به اینکه «ان الواجب عز اسمه فاعل مختار و هو علة تامه مما سواه و کون العالم واجباً بالنسبة الیه ینافی حدوثه الزماني» این اشکال را شرح داده، پاسخ آن را بنویسید. ص ۶۲۲ - ۱/۵ نمره

جواب:

۱/۵

واجب تعالی فاعل مختار و علت تامه می باشد و بنابر این قاعده، عالم که معلول خداوند است، واجب می شود و این با حدوث زمانی عالم منافات دارد زیرا هر زمان که خداوند باشد عالم نیز باید موجود باشد و عالم قدیم زمانی می شود. (۰/۷۵ نمره)

جواب اشکال: [اولاً: فاعل مختار بودن حق تعالی به این معناست که چیزی ورای او نیست که خداوند را مجبور کند و وجوب به معلول دهد. ولی اگر این ضرورت و وجوب از خود حق تعالی صادر شود منافات با اختیار حق تعالی ندارد. (اجبار چیزی وراء حق تعالی چه معلول چه غیر معلول محال است.)]

ثانیاً: عالم (به معنای ما سوی الواجب) حادث نیست چون معنای حدوث عالم یعنی زمانی باشد که عالم نباشد و این منافات دارد با اینکه زمان نیز جزء عالم می باشد. (یک جواب در پاسخ دادن کفایت می کند.) (۰/۷۵ نمره)

۷- «فاعل بالعناية» را تعریف کرده، و بگوید چرا مرحوم علامه^(ه) آن را نوعی از «فاعل بالقصد» می‌دانند؟ ص ۶۷۴ - ۱/۵نمره

۱/۵

جواب:

فاعلی که علم سابق به فعلش دارد که این علم زائد بر ذات است به این صورت که نفس صورت علمیه، منشأ صدور فعل بدون داعی زائد می‌باشد مانند [حق تعالی در ایجاد افعالش نزد مشائین] (۱ نمره) زیرا در فاعل بالعناية نیز داعی هست (و کسی که در بالای شاخه بلندی ایستاده و می‌ترسد و کسی که در بالای آن ایستاده و عادت دارد هر دو یک علم دارند فقط کسی که می‌ترسد تصور را منحصر در طرف سقوط می‌کند و می‌افتد ولی کسی که عادت دارد هر دو طرف سقوط و ثبات را تصور کرده و یکی را انتخاب می‌کند). (۰/۵ نمره)

۸- اشکال مطرح در عبارت «و بالجمله الفعل دائماً مسانخ لفاعله و کذا ما یترتب علیه من الغایة، فهو خیر للفاعل کمال له و اما ما قبل: انّ

۱/۵

العالی لا یستکمل بالسافل و لا یریده فمندفع» را شرح داده و نقد کنید. ص ۷۰۹ س ۵ - ۱/۵ نمره

جواب: بعضی گفته‌اند موجود عالی بواسطه موجود سافل استکمال نمی‌یابد و آن را اراده نمی‌کند زیرا عالی علت سافل است و وجود علت، قوی‌تر از وجود معلول است و مقام برتر از مقام معلول. (۰/۷۵ نمره) نقد: اراده و حبّ فاعل تنها از آن جهت به فعلش تعلق می‌گیرد که آن فعل اثری از آثار اوست پس در حقیقت اراده و حبّ فاعل ذاتاً به خود فاعل تعلق می‌گیرد و به تبع آن به فعل. (۰/۷۵ نمره)

۱/۵

۹- قاعده «کل حادث زمانی فانه مسبوق بقوة الوجود» را با یک استدلال اثبات کنید. ص ۷۵۹ تا ۷۶۲ - ۱/۵ نمره

جواب: زیرا این حادث قبل از وجودش باید ممکن باشد که وجود و عدم آن ممکن باشد یا ممتنع است که وجودش محال است و این خلف حدوثش است و یا واجب است که موجود است و عدم آن محال است که این هم درست نیست زیرا گاهی موجود نیست چون حادث زمانی است و این امکان قبل وجود در خارج موجود است چون متصف به شدت و ضعف و قرب و بعد می‌شود و این امکان موجود در خارج قائم به ذات نیست بلکه عرضی است که قائم به موضوعی است که آن را حمل می‌کند که موضوع ماده و عرض قوه است پس هر حادث زمانی مسبوق به ماده‌ای است که قوه وجودش را حمل می‌کند.

۱/۵

۱۰- معنای «مبدأ و منتهی نداشتن حرکت» را توضیح داده و دلیل آن را بنویسید. ص ۷۸۶ س ۷ - ۱/۵ نمره

جواب: معنای مبدأ و منتهی نداشتن حرکت این است که نمی‌توان برای حرکت، جزء نخستین در نظر گرفت که از جهت حرکت غیر قابل انقسام باشد و نیز نمی‌توان برای حرکت جزء آخری در نظر گرفت که از جهت حرکت غیر قابل انقسام باشد. (۰/۷۵ نمره)

جواب: دلیل این مطلب: جزء به این معنا وجودش دفعی‌الوقوع است در نتیجه تعریف حرکت که عبارت است از سیلان وجود و تدریجی بودن آن، بر آن جزء تطبیق نخواهد کرد. به عبارت دیگر تمام اجزاء حرکت باید تدریجی‌الوقوع باشد اما جزء لا ینقسم دفعی‌الوقوع است پس حرکت جزء لا ینقسم ندارد. (۰/۷۵ نمره)

۱/۵

۱۱- حرکت جوهری را از طریق این که اعراض از مراتب وجود جواهرند، اثبات کنید. ص ۸۰۸ و ۸۰۹ س ۶ - ۱/۵ نمره

جواب: یکی از براهین حرکت جوهری استفاده از این حقیقت است که: اعراض از مراتب وجود جوهر به شمار می‌روند. دلیل این مطلب این است که: وجود فی نفسه اعراض عین وجود لغیره آن اعراض برای موضوعاتشان است. بنابر این اعراض نمی‌توانند وجود مستقلی از موضوع خود داشته باشند یعنی وجودشان از مراتب وجود موضوعاتشان است. بنابر این اگر حرکت در اعراض را قبول کنیم باید حرکت و تغییر در جوهری که موضوع آن‌ها هستند را نیز قبول کنیم. پس حرکت‌های عرضی دلیلی بر حرکت جوهری است.

۱/۵

۱۲- دیدگاه صدر المتألهین را در مورد تقابل «سرعت و بطؤ» چیست؟ نقد مرحوم علامه^(ه) بر آن را بنویسید. ص ۸۵۲ - ۱/۵ نمره

جواب: از نظر ملاصدرا تقابل میان سرعت و بطؤ نه تضایف است و نه سلب و ایجاب بلکه تقابل میان آن‌ها تضاد است. (۰/۵ نمره)
نقد مرحوم علامه: این سخن ناتمام است زیرا میان دو ضد باید نهایت اختلاف باشد و این میان سرعت و بطؤ وجود ندارد زیرا هیچ حرکت سریعی وجود ندارد که سریع‌تر از آن نیز قابل فرض است و هیچ حرکت کندی نیست که کندتر از آن هم قابل فرض است. (۱ نمره)